

ز بس از ضعف کردید آنگاه بای ننگها چشم خنده جاک جنون دندان نهان فیبای و چشم از دوختن پهلو کند خالی چون ترکان خود بود از پهلویش نهان بکاک کشته خود میسرای سوافا و وزی که کرد و آنگاهش کرد از نبالها جزید	حجت کرده است از مغز مجنون چشم تو بحون غلط بصیرتی که او از در اخیر تو
نکبتنوخ نومت از می آرام بود باوه لعل لب نشه رنگین دارد نیست از لطف بمن نیم نگاهی که تراست آفتد حرف نگاه نوشتیدم که مرا بسکه از لطف احباب رسیده است دم	کردش چشم تو بالبدن با دام بود حط با فوٹ درین نرم حط جام بود فره ات چون بهم لب و لب و شام بود پند کوش برنگ کل با دم بود قطره باوه چشمم که دام بود
قسمت شوکت به جو ز چشم بدین نگهی باشد و آن نیز بیغام بود	
بهر کانه آن سر و بلند اقبال می آید کنند آفت من دارد آفت جزینا هوای سجد بها دارد امشب نشه و دیگر هو از بس طلالی کشته از رنگ ضعیف	کل از بالبدن خود مهر استقبال می آید که چون از خود در دم معنوی از نبال قدح از خوش خالی رفته حالا عال می آید جو رنگم میرد از صهره ازین بال می آید
بلب امشب که امین است کلین می آید که او از شکست از نشه نبال می آید	
چون جمع کنند که شمع روشن شعله واگرد بدست او رسد چون دست من رنگ صفا	

ملی

شوکت جو شد سیاه بکلون می سوار دیگر کل بهاده نگر دو سوار شاخ	
ساقی ببا که دامن کل شده کنار شاخ چون هوا بجنبش موی فکته است شد قطره غنچه را و رنگ ابر کلینی ما را ز ما باد فارت برد همسار این نیست برک کل که رود نهمه نیم	زد چون حباب غنچه سیر از چشمه سار شاخ چون کف شکوفه را بلب جو بار شاخ از بکه بر کست برای نثار شاخ کلون می بیار کشته سوار شاخ سیلاب اشک میرود از کوه سار شاخ
وا کرده از شکوفه دو صد چشم انتظار شوکت بکوه که قادت بار شاخ	
حرف لعل	
سبک کلون قیام چون بی رفتن از جا بجای باوه دارد نعل لعل کرده مینا بهار طره قیامشال بر محبت میرسم جان حاکم خود رنگ تعین را نمیکرد جو شاخ کل که از باد بهار می کشد شدم جاکسته و کس که از سوزم نمیکرد رقم از شکوفه چشم تو از بس سر و لوت مهیای قیام بچنان از خاک ره پنا جان مشت غبارم اب نشایم هو کردید	ر دست از رفتن رنگ خاوا از جا بهر جا افتد از دستم قدح اشق با جزید که ان کل از کنار من بی شو و نما جزید که نقش بو ریایم از زمین چون بو پی تو چشم او ساغ بلف ساقی ز جا جزید ز بام خانه ام اش زنی رنگ هو جزید عالمست از دریدتهای مکتوبم صدا که کرد از دست من از رفتن رنگ خا جزید از مغز اسنوخم چون کف از موج هو جزید

خیزد

ریخته